



هجاء

الگوهای هجایی زبان فارسی

پایه - رکن

درس پنجم

همانگی پاره های کلام

آموختیم که شاعران برای تأثیرگذاری سخن خود از «وزن»، «عاطفه» و «خیال» بهره می گیرند. «وزن» آشکارترین ابزار موسیقایی شعر است. برای تشخیص موسیقی شعر اولین راه این است که تمرین های شنیداری خود را بیشتر کنیم تا سواد شنیداری و هوش موسیقایی خود را پرورش دهیم. راه دیگر آن است که شعر را به پاره های هماهنگ و مساوی یعنی به ارکان تقسیم کنیم؛ در پی آن، تساوی و توازن آوایی شعر به دست می آید. اگر به شعرهایی که تاکنون خوانده ایم، توجه کنیم، می بینیم که مصراع ها از قطعه های کوچک و هماهنگ تشکیل شده است؛ برای نمونه مصرع «تواز هر در که باز آیی بدین خوبی و زیبایی» را این گونه می خوانیم:

تُ	اَز	هَر	دَر	کِ	بَا	زَا	یِ	بِ	دِیْن	خُو	بِی	یُ	زِی	بَا	یِ
----	-----	-----	-----	----	-----	-----	----	----	-------	-----	-----	----	-----	-----	----

به هریک از پاره های مصراع فوق رکن می گویند. هر رکن از بخش های کوچک تری به نام هجا تشکیل شده است.

تُ	اَز	هَر	دَر	کِ	بَا	زَا	یِ	بِ	دِیْن	خُو	بِی	یُ	زِی	بَا	یِ
----	-----	-----	-----	----	-----	-----	----	----	-------	-----	-----	----	-----	-----	----



هجایا بخش، مقدار آوایی است که دهان با یک بار باز شدن آن را ادا می‌کند. هجاء از واج پدید می‌آید. شکل نوشتاری واج را حرف می‌نامند.

● واج کوچک‌ترین واحد آوایی زبان است؛ مانند واژه «کتاب» که پنج واج دارد: ک / \_ / ت / ا / ب.

در زبان فارسی ۲۹ واج وجود دارد که آنها را به دو دسته مصوّت و صامت تقسیم می‌کنند. مصوّت: زبان فارسی، ۶ مصوّت دارد: «ـَ» مصوّت‌های کوتاه و «ـِ، ی، و» مصوّت‌های بلند زبان فارسی هستند.

صامت: ۲۳ واج دیگر زبان فارسی صامت هستند. ا (=ع)، ب، پ، ت (=ط)، ج، چ، خ، د، ر، ز (=ذ، ظ، ض)، ژ، س (=ث، ص)، ش، غ (=ق)، ف، ک، گ، ل، م، ن، و، ه (=ح)، ی.

هجاهای زبان فارسی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

عنوان هجا	نحوه قرار گرفتن	نشانه	مثال
کوتاه	صامت + مصوّت کوتاه	U	چو (چ)، که (ک)، و
بلند	الف) صامت + مصوّت کوتاه + صامت	-	گُل، سَر، دِل
	ب) صامت + مصوّت بلند	-	پا، سی، مو
کشیده	الف) صامت + مصوّت کوتاه + دو صامت	U-	بُرْد، سَبَز، چهر
	ب) صامت + مصوّت بلند + یک یا دو صامت	U-	دوست، آب، سیب

قبل از جداسازی هجاهای یک مصرع، به این نکات توجه کنید:

۱ هر هجا (بخش)، یک مصوّت دارد؛ بنابراین، تعداد هجاهای یک کلمه با تعداد

مصوّت‌های آن کلمه برابر است؛ برای مثال: «باد» یک مصوّت (ا) دارد و یک هجاست

و «برادر»، سه مصوّت (ـَ، ا، ـِ) دارد و سه هجاست.

۲ هر هجا را همان‌طور که می‌خوانیم، می‌نویسیم تا در شمارش واج‌ها دچار اشکال نشویم؛ برای مثال:

تو ← ت: هجای کوتاه (U) خواب ← خاب: هجای کشیده (U-).

CV  
CVC  
C̄V  
CVCC  
C̄VC  
C̄VCC



۳ در زبان فارسی، هیچ واژه‌ای با مصوّت آغاز نمی‌شود؛ بنابراین، واژه‌هایی که به ظاهر با نشانه «ا» آغاز می‌شوند، در ابتدای خود یک صامت همزه دارند که در تعیین نوع هجا باید بدان توجه داشت؛ برای مثال، «از» یک هجای بلند (سه واجی) و «آب» یک هجای کشیده است.

ءاب

ءز

۴ هجای کشیده معادل یک هجای بلند و یک هجای کوتاه است.

۵ مصوّت بلند پیش از «ن» (نون ساکن) کوتاه به حساب می‌آید.

اکنون که توانایی شناخت هجا و تعیین نوع آن را به دست آورده‌ایم، باید بدانیم که دو مصراع یا بیت، زمانی هم وزن‌اند که:

الف) تعداد هجاهای آنها با هم برابر باشد.

ب) هجاهای کوتاه و بلند آنها در مقابل یکدیگر قرار گیرد.

گفتیم که در هر شعر، تمام مصراع‌ها هم وزن‌اند. راز این هم وزنی آن است که تعداد و ترتیب هجاها در هر دو مصراع یکی است.

اکنون به جداسازی هجاهای بیت زیر، دقت کنید.

بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیت بود در ترازوی خویش **سعدی**

بُ	خُر	تا	تَ	وا	نی	بِ	با	زو	ی	خیش
کِ	سَع	یَت	بُ	وَد	دَر	تَ	را	زو	ی	خیش
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-

می‌بینید که ترتیب و تعداد هجاها در هر دو مصراع یکی است؛ یعنی، هجاهای کوتاه و بلند آنها در مقابل هم قرار می‌گیرند.

● **توجه:** هجای پایانی اوزان شعر فارسی همیشه بلند محسوب می‌شود و اگر به جای آن کشیده یا کوتاه بیاید، همچنان آن را هجای بلند می‌آوریم.

**یادآوری:** لازم است به این نکته توجه داشته باشیم که در شعر نو، شاعران تسلاوی

مصراع‌های شعری را ضروری نمی‌دانند؛ به همین سبب می‌بینیم که طول مصراع‌های شعر نو یکسان نیست.

«تو را من چشم در راهم؛

شباهنگام

که می‌گیرند در شاخ تلاجن، سایه‌ها رنگ سیاهی

وزان دل خستگانت راست، اندوهی فراهم؛

تو را من چشم در راهم.»

نیما یوشیج

ص م ک ص م ک ص  
ن ش ا ی د کِ خ و ب ا ن بِ ص ح را رَ و ن د  
ص م ب

## خودارزیابی



۱ صامت‌ها و مصوّت‌های مصراع اول بیت نخست را مشخص نمایید.

شاید که خوبان به صحرا روند همه کس شناسند و هر جا روند

حلالست رفتن به صحرا، ولیک نه انصاف باشد که بی ما روند

سعدی

۲ هر بیت را به هجاهای تشکیل‌دهنده آن تجزیه کنید؛ سپس هر هجا را با علامت خاص آن بنویسید.

عجب نیست از گل که خندد به سروی که در این چمن پای در گل نشیند

طیب اصفهانی

اگر هوشمندی به معنی گرای که معنی بماند نه صورت به جای

سعدی

۳ در بیت زیر، چند هجای کوتاه وجود دارد؟

تا رنج تحمّل نکنی، گنج نبینی تا شب نرود، صبح پدیدار نباشد

سعدی



عَ جَبَ نِی | سَ تَزْ گُلِ | کِ خَنَ دَدَ | بِ سَرِ وِی  
کِ دَرِ اَیْنِ | چَ مَن پَا | یِ دَرِ گِلِ | نِ شِی نَد  
- - U - - U - - U

۴ برای کاربردهای گوناگون (صامت، مصوّت) هریک از واج‌های زیر، نمونه‌هایی بنویسید.

صامت: ورامین وام نوه مرو	«و»
مصوّت: تو کوه رود	
صامت: یاد جریان ایام	«ی»
مصوّت: ایران جاری بیمار	
صامت: کوه چه کِه (کوچکتر) مه (بزرگتر)	«ه»
مصوّت: که (حرف ربط) خانه لبه	

۵ علامت هجاهای کدام بیت، چهار بار (U ---) تکرار شده است؟

الف) الا یا ایّها السّاقی ادر کاساً و ناولها | که عشق آسان نمود اول، ولی افتاد مشکل‌ها

حافظ

ب) خلوتم چراغان کن | ای چراغ روحانی  
 --- U - U - --- U - U -  
 فاعلات مفعولن | فاعلات مفعولن

شهریار

پ) من از اینجا به ملامت نروم | که من اینجا به امید می گروم  
 - U U - - U U - - U U

سعدی

ت) بلم آرام چون قویی سبکبار | به نرمی بر سر کارون همی رفت  
 - - U - - - U - - - U

تولّی

